

مترجم کیست؟

O شهرام اقبال زاده (راز آور)

باتوجه به چندتعریف یاد شده و توضیح نویسنده محترم، دو نکته مهم و محوری را باید تصریح کرد: اول، ترجمه همواره بر «فهم» استوار است؛ آن هم «فهمی» در حد توانایی تفسیر - و یا تجزیه و تحلیل - تا «بیان» ترجمه روشنگر و آشکارکننده مراد نویسنده اصلی متن مبدأ باشد و این امر، ذاتی ترجمه به مفهوم دقیق کلمه است؛ همچنان که یکی از برابری‌ها واژه «ترجمه» واژه «تفسیر» است و در فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز پس از تعریف واژه «مترجم translator» خواننده را به واژه interpreter ارجاع می‌دهد که هم به معنای مترجم شفاهی و حضوری و هم مترجمی است که متن را برای چاپ ترجمه می‌کند و خود از فعل interpret مشتق شده و معنای اول آن «تعبیر کردن، تفسیر کردن، معنی کردن و سپس «ترجمه شفاهی یا حضوری کردن و یا مترجمی کردن است.» به هر حال آوردن «دو فعلواژه «فهمیدن» و «بیان کردن» در تعریف ارائه شده، خود ناشی از آگاهی و دقت نویسنده است زیرا در مترادف‌های انگلیسی interpret افعالی همچون understand از سوی و expound و elucidate از سوی دیگر آمده است. به ظاهر به جای ایضاح امری کاملاً روشن و ساده، آن را بیش از پیش پیچیده کرده‌ایم و با چنین تفسیری، هر خواننده نوجوانی را از مترجم شدن باز داشته‌ایم. اما چنین نیست، بلکه منظور تکیه و تأکید بر اهمیت چنین شغلی است که چنانچه با توانایی و تسلط همراه شود، حرفه‌ای بسیار سودمند و در عین طاقت‌سوز بودن، شغلی شیرین است. (شاید به اندازه شیرینی شغل شریف نقاشی برای شازده کوچولو!)

نکته دوم، آن است که در تعریف نویسنده کتاب، بحثی از «حرفه‌ای بودن» آن نیامده است که شاید بدین دلیل باشد که کتاب یاد شده در کلیت خود، مترجمی را به عنوان «شغل» مطرح کرده است، اما همان‌گونه که در تعریف فرهنگ آکسفورد مشاهده کردیم، تعاریف باید فراگیر - و یا به قول قدما «جامع و مانع» - باشد. درست که هرکس اثری را ترجمه کند، می‌توان او را «مترجم» آن اثر دانست، اما در این جا منظور شغل «مترجمی» است. بنا به تعریف فرهنگ آکسفورد: «مترجم کسی است که نوشتاری یا گفتاری را ترجمه می‌کند؛ به ویژه به عنوان حرفه خود!» این امر، ناشی از آن است که در ایران هنوز شغل مترجمی، به عنوان یک حرفه ثابت در نیامده است و در میان



- عنوان کتاب: می‌خواهی چه کاره بشوی؟ مترجم
- نویسنده: مهناز عسگری
- ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، کتاب قلم
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۲
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
- بها: ۲۷۰ تومان

بچه که بودیم، از پیرمردها - و گاه پیرزن‌ها - که خاطراتی شنیدنی از مشروطیت و دو جنگ جهانی داشتند، واژه «دیپلماس» را - که همراه قشون و یا ماموران بیگانه و بیگانه زبان بودند - می‌شنیدیم و وقتی می‌پرسیدیم «دیپلماس» کیست، می‌گفتند کسی که زبان خارجی می‌داند و یا کسی که مثلاً روس یا انگلیسی بوده و فارسی می‌دانسته، اما هرگز به فکرمان نمی‌رسید «دیپلماس» شدن می‌تواند شغل یا حرفه آتی کسی باشد. امروزه شاید به جز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها کسی دیگر واژه «دیپلماس» را به کار نبرد، اما واژه «مترجم» کمابیش در جامعه ما جا باز کرده است و عده‌ای اندک شمار از این طریق، زندگی خود را می‌گذرانند و یا دست کم بخشی از کم و کسری‌های زندگی‌شان را با ترجمه کردن جبران می‌کند و گاه نیز از سر نیاز فرهنگی و عشق به رشته‌ای خاص، به چنین کاری مشغول می‌شوند.

شاید ساده‌ترین تعریف این شغل، چنین باشد: «مترجم کسی است که «ترجمه» می‌کند. در فرهنگ فارسی «عمید»، در برابر ترجمه آمده است: تفسیر، نقل مطلبی از زبانی به زبان دیگر... در یکی از فرهنگ‌های انگلیسی آکسفورد، یعنی OXFORD Advanced Learner's Dictionary در این باره چنین نوشته شده است:

translator: a person who translates writing or speech, esp[ecially] as a job' و در دنباله آن آمده است: 'Compare INTERPRETER'.

شاید آوردن چنین تعاریفی و استناد به برخی از منابع و مراجع در نگاه اول، برای تعریف یا معرفی یک

شغل - آن هم برای نوجوانان - هیچ ضرورتی نداشته باشد. به ویژه آن که نویسنده محترم کتاب سودمند «مترجم»، خود نیز تعریفی ساده از مترجم به دست داده‌اند: «مترجم کسی است که مطلبی را در یک زبان می‌فهمد و آن را به زبان دیگر بیان می‌کند.» (صفحه ۴، تأکید از ماست، راز آور)

«فهمیدن» یک مطلب، یعنی درک عمیق آن و درباره «بیان» نیز آمده است: «پیدا و آشکار شدن و به معنی فصاحت و زبان‌آوری و سخن آشکار و فصیح، شرح و تعبیر.» (فرهنگ فارسی عمید)



ترجمه چیست؟

خود درست است - و آن را به سیاست‌گذاری کلان‌کشوری منسوب کنند که این امر نیز، به نوبه خود درست است، اما نافی این کاستی در این رشته کتاب‌ها نیست. متأسفانه، در نظام آموزش عالی ما نیز این تخصص‌گرایی محدود -



انکون از کم و کیف آن در می‌گذرم که حتی در زمینه پرورش دانش‌آموختگان خلاق و آگاه و مجهز به دانش روز جهان چقدر موفق بوده‌ایم - آشکارا به چشم می‌آید. استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، در یکی از نوشته‌های‌شان یادآوری می‌کنند، که «تخصص» اصلی دانشگاه‌های ما - در وجه مسلط آن - بیرون دادن شمار زیادی افراد ناتوان و ناکارآمد است که تنها تفاوت آن‌ها با دانش‌آموزان، مقداری محفوظات

و اطلاعات بیشتر و داشتن مدرک دانشگاهی است. ایشان تصریح می‌کنند: «گرفتاری عمده آن است که ورزش علم بر این کشورها [جهان سوم - رازآور] بیشتر مسئله ساز بوده است تا کارگشا. اهم این مسائل عبارتند از: افزایش سریع

جمعیت، افزایش تعداد بی‌کار و بی‌کاره که دیپلم دانشگاهی در دست دارند، افزایش نیاز، گسترش غول‌آسا، ازدحام، آلودگی محیط و غیره...»

بی‌گمان یکی از پیش‌نیازهای انتخاب شغل، گذشته از آشنایی کافی با حرفه و علاقه فردی و استعداد نوجوان یا جوان، آشنایی با وضعیت بازار کار آن حرفه است و هرگونه راهنمای شناخت مشاغل، بدون چنین یادآوری قطعاً ناقص است.

اما این نقیصه، به هیچ وجه نافی ارزش‌های کتاب «مترجم» و تسلط کافی نویسنده نیست که گذشته از تحصیل دانشگاهی و تخصصی در رشته‌ای مرتبط با این امر، یعنی «زبان‌شناسی» سال‌هاست با همراه آگاه و مسئول خود آقای «مهدی ضرغامیان»، نه تنها به کار پژوهش در زمینه «زبان و زبان‌شناسی» مشغولند، بلکه از مترجمان خوب ادبیات کودک و نوجوان نیز هستند و این امر ارزش‌های درخوری را برای این کتاب رقم زده است.

نویسنده محترم در مقدمه کتاب بر اهمیت «برقراری ارتباط با جوامع و شناختن مردم سرزمین‌های دیگر» و بر ضرورت آشنایی بیشتر

جمعیت ۷۰ میلیونی کشور و جمعیت میلیونی دانش‌آموختگان دانشگاهی - حتی دانش‌آموختگان رشته زبان - شاید شمار مترجمان حرفه‌ای ما در همه رشته‌های علمی و ادبی - و حتی دارالترجمه‌ها - به هزار نفر نیز نرسد. روشن است که منظور از حرفه، شغل ثابت و تمام‌وقتی است که اسباب معاش شاغل را فراهم کند.

باری، شاید یکی از کاستی‌های کتاب، همین نکته باشد که هیچ‌گونه اشاره‌ای به پیشینه این حرفه یا رشته و یا وضعیت کنونی آن در ایران نکرده است. به نظر می‌رسد باتوجه به سایر کتاب‌های ناشر محترم در این زمینه، چنین هدفی را نیز در نظر نداشته است، اما این امر به هیچ وجه عذری برای این کاستی نمی‌تواند باشد. زیرا یکی از بزرگ‌ترین آفات اجتماعی و فرهنگی که در سالیان اخیر، گریبان کشور به طور کل و به ویژه جوانان دانشگاه دیده ما را گرفته «تخصص‌گرایی» محدود است و نمونه آن هزاران پزشک، مهندس و یا دانش‌آموخته بیکار علوم انسانی در کشور است!

شاید ناشر محترم و یا نویسندگان محترم این رشته کتاب‌های سودمند و ضروری، این کار را خارج از حیطه فعالیت فرهنگی خویش بدانند - که در جای

در تعریف نویسنده کتاب،

بختی از «حرفه‌ای بودن» آن

نیامده است که شاید بدین دلیل باشد

که کتاب یاد شده در کلیت خود،

مترجمی را به عنوان «شغل»

مطرح کرده است، اما همان گونه که

در تعریف فرهنگ آکسفورد

مشاهده کردیم، تعاریف باید فراگیر

- و یا به قول قدما

«جامع و مانع» باشد



بزرگوار

با «داستان‌ها، رمان‌ها، شعرها، خبرها و رویدادهای علمی، سیاسی و اجتماعی و دستاوردهای علوم و فنون» سایر ملل تأکید می‌کند و می‌افزاید این آثار «به وسیله مترجم به دست ما می‌رسد».

ایشان نوشته‌اند «مترجم دست کم دو زبان را خیلی خوب می‌داند» و این دانستن «خیلی خوب» دست کم دو زبان، بسیار اهمیت دارد.

ایشان گرایش‌های مختلف ترجمه را نیز یادآوری کرده‌اند: «بعضی از

مترجم‌ها فقط کتاب‌های داستان، رمان و شعر را از بان‌های خارجی ترجمه می‌کنند. این افراد متخصص ترجمه آثار ادبی‌اند» و البته، واژه متخصص در این جا بسیار مهم است. «متخصص» ادبیات، قطعاً باید ادبیات کهن خود، ادبیات معاصرش را و تحولات و نقاط عطف آن را به خوبی بشناسد، با آثار ادبی برجسته جهان آشنا باشد و در حد ضرورت از تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و در یک کلام، فرهنگ معاصر جهان، شناخت داشته باشد.

در همین زمینه می‌نویسد: «بعضی دیگر از مترجم‌ها ترجیح می‌دهند فقط کتاب‌های علمی ترجمه کنند. این افراد متخصص ترجمه کتاب‌های علمی‌اند.»

آشکار است که امروزه، علوم روز به روز غنی‌تر و در عین حال پیچیده‌تر و پیوند بینارشته‌ای آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. پس مترجم متن‌های علمی، علاوه بر تسلط کافی بر رشته تخصصی مورد علاقه‌اش، باید آشنایی کافی با اصطلاحات علمی مرتبط و حتی فلسفه علم داشته باشد تا بتواند ترجمه‌ای دقیق و روشن از متون علمی را به زبان خویش برگرداند.

گرایش دیگر در این عرصه، ترجمه شفاهی یا حضوری است که به گفته نویسنده «مترجم شفاهی گفته‌های یک یا چند گوینده غیر هم‌زبان را هنگامی که سخن می‌گویند، ترجمه می‌کند.»

اما نکته‌ای که اهمیتی شایان دارد و نویسنده به درستی بر این نکته پای‌فشرده، این است که «ترجمه کاری فکری و تحقیقی است». بنابراین، گذشته از مسائل فنی و واژگانی و ضرورت تسلط بر آن، همواره مراجعه به فرهنگ‌های واژگان و دانش‌نامه‌ها ضروری است و گاه در ترجمه‌ها - به ویژه ترجمه ادبی - گذشته از متن، عوامل فرامتنی و فرهنگی نیز در ترجمه دارای اهمیت بسیاریند.

در ترجمه شفاهی نیز حضور ذهن و سرعت عمل و دانش گسترده زبانی و آشنایی با فرهنگ دوطرفه، بسیار بسیار مهم است.

نکته مهم دیگری که نویسنده ذکر می‌کند، این است که «ترجمه کردن نوعی هنر است و مترجم باید

مانند همه هنرمندان، فردی خلاق و آفریننده باشد.» بدین ترتیب، می‌توان با ایشان موافق بود که ترجمه تنها مبتنی بر دانش زبانی و ذخیره واژگان مترجم نیست و ترجمه را تنها نباید یک «فن» به شمار آورد، بلکه ترجمه امری هنری و خلاقه و زایاست. بندوتو کروچه، نظریه‌پرداز فلسفه هنر می‌گوید: «یک ترجمه ادبی و هنری، به همان اندازه متن اصلی دارای اهمیت هنری است.» (نقل به معنی)

در این کتاب، به درستی آمده است: «مترجمی در شغلش پیشرفت می‌کند که کارش را مسئولانه انجام دهد. چنین مترجمی خود را به مطالعه و دانش‌اندوزی نیازمند می‌بیند. او می‌کوشد مهم‌ترین آثار ادبی مخصوصاً ادبیات فارسی را بخواند و با مطالعه آثار نویسندگان جدید از سبک نگارش و انشای آن‌ها بهره ببرد» و «بتواند ترجمه‌ای روان و زیبا در اختیار علاقه‌مندان بگذارد.»

نویسنده آورده است: «بخش قابل‌توجهی از فرهنگ و ادبیات جدید، توسط مترجم‌ها ساخته می‌شود. آن‌ها با ترجمه آثار و اندیشه‌های متفکران بزرگ کشورهای دیگر، بهره‌گیری ما را از این آثار آسان می‌کنند.»

گویی نگارنده ارجمند کتاب «مترجم»، خود در پایان به این نکته پی‌برده‌اند که ذکر پیشینه‌ای از ترجمه می‌توانست مفید باشد و چند جمله‌ای در این باره نگاشته‌اند که بود یا نبود آن هیچ‌گونه اثری در سودمندی کتاب نداشته است. اما چنان‌چه با ذکر پیشینه کوتاه ترجمه در ایران و جهان و تحول آن، به ویژه در تاریخ معاصر همراه می‌شد، می‌توانست در جهت یابی خواننده نوجوانان مفید باشد.

یادآوری نکته‌ای دیگر نیز سودمند می‌تواند باشد. ممکن است کتاب‌هایی مشابه در برخی از نقاط جهان تألیف شده که هیچ یک به تحلیل وضعیت اشتغال رشته مورد بحث نپرداخته باشد و تنها به توصیف ویژگی‌های شغل موردنظر بسنده کرده باشد، اما اکنون و این‌جا چنین توضیحاتی در این گونه آثار - هرچند نه راهبردی اما کاربردی - ضروری و پرفایده خواهد بود و مخاطبان جوان خود را برای انتخاب شغل آتی خود یاری خواهد کرد.

باری، برای مترجم خوب شدن، نه تنها باید به تحصیلات دانشگاهی پرداخت، بلکه باید با پی‌گیری و پشتکار و استمرار در خواندن و مهارت در ترجمه، به جد کوشید. مطالعه اثر ارزشمند «مترجم شدن» که به قلم مترجم شناخته شده ادبیات کودک و نوجوان به فارسی درآمده است، می‌تواند برای مترجمان جوان راهگشا باشد.

پی‌نوشت:

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، «آویزه سخن‌ها»، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱، ص ۲۰

گویی نگارنده ارجمند کتاب «مترجم»، خود در پایان به این نکته پی‌برده‌اند که ذکر پیشینه‌ای از ترجمه می‌توانست مفید باشد و چند جمله‌ای در این باره نگاشته‌اند که بود یا نبود آن هیچ‌گونه اثری در سودمندی کتاب نداشته است

